

وظیفه انقلابی ما ، دفاع از جمع در مقابل فرد است!!!

فدا کاریها و از جان گذشتگی های اعضای هیئت مدیره و حتی اعضای عادی سندیکای کارگران شرکت واحد، بخصوص منصور اسانلو و وابستگی های سندیکا به فعالیت های منصور و معروفیت منصور به اعتبار موجودیت و کار های جمعی خارق العاده سندیکا بر هیچ کس پوشیده نیست، همچنین دفاعیات بی شائبه ، مداوم و گسترده تشکل ها ، نهاد ها و فعالین از سندیکای فوق و بدنبال خواست سندیکا، دفاع از افراد فعال آن بخصوص منصور اسانلو نیز کاملا" شفاف و روشن است، همچنین نسبت به مشکلاتی که این دوستان و خانوادههایشان طی ۸ سال گذشته تحمل کردند و بیشتر آنها همچنان تحت فشار قرار دارد، آگاه هستیم.

بدلیل اینکه تشکل های کارگری بسیار کم است، سندیکای کارگران شرکت واحد به سمبل و نماد سازمان های توده ای کارگران بدل شده است، که به عنوان تنها الگوی پیش روی تشکل های کارگری دیده می شود. در نتیجه هر ضربه وارده به آن، مانند، موج در دریا به تمامی زوایای جنبش کارگری راه خواهد یافت . اگر این دوستان خطا یا اشتباهی مرتکب شوند، زیانش متوجه همه خواهد بود، و اگر موفقیتی بدست آورند نیز، سودش برای همه خواهد بود. بر مبنای چنین برداشتی بر خورد با مشکل جدید این سندیکا، بسیار حساس بوده و پی آمدش مهم است .

منصور اسانلو دارای چهار بعد بر خورد فکر و کاری است که به ترتیب عبارتند از :

- ۱- فعالیت عملی بسیار اکتیو او تحت مجموعه سندیکا که سر آمد بوده است.
- ۲- کار های تشکیلاتی او در سندیکا که برای اعضای هیئت مدیره روشن و معلوم، برای فعالین خارج از سندیکا طبق اصول نا معلوم بوده است.
- ۳- افکار سیاسی و روابط سیاسی و بعضا" کارهای سیاسی که تحت تسلط افکار سیاسی شخصی و در همراهی با همفکرانش انجام می داد این نیز برای همه روشن بوده است .
- ۴- زندگی خصوصی او ، که بعضا" بنا به علل مختلف از جمله فشار های پلیسی با فعالیت های اجتماعی مخلوط شده که برای دیگران نیز مانند منصور پیش می آید. نباید موضوع مورد بحث باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد طی ۸ سال گذشته از زمانی که ارتباط سیستماتیک سازمانی با اعضا و دیگر کارگران داشت تا اکنون که بدلیل فشار های شدید و عدم بر گزاری مجمع عمومی و ناتوانی در بازسازی هیئت مدیره خود، ارتباطاتش محدود ، غیر سازمانی یا کمتر سازمانی شده است، همیشه از چهار بعد فکری و کاری منصور اسانلو آگاهی کافی داشت، با توجه به آگاهی فوق از تمامی سازمانها ، کارگران ، فعالین و نهاد های داخلی و جهانی می خواست که از منصور اسانلو حمایت بی دریغ نمایند .

پراتیک اکتیو منصور در مسائل روز کارگری که برای تمامی انقلابیون مورد تایید بود و با درخواست سندیکا مورد حمایت همه جانبه قرار می گرفت، و مورد رابطه و افکار سیاسی او مشخص بوده ولی مورد قبول نبود، اما این مورد به عمد برای اینکه سندیکا تضعیف نشود نادیده گرفته می شد. در رابطه با مسائل درونی تشکیلاتی، فعالین و انقلابیون اطلاع نداشتند و اعضای هیئت مدیره که اطلاع صد در صدی داشتند بیان نکرده

بودن بنا براین آنچه بود و هست ما هنوز اطلاع نداریم . تا به این روز هم سکوت و یا تایید هیئت مدیره برای ما حجت بود. با توجه به موارد بالا، علی رغم وجود موارد غیر قابل قبول، بنا به خواست سندیکا، همگی از منصور اسانلو حمایت می کردیم . امروز نیز بنا به اندیشه حمایت از جمع در مقابل فرد، که یک اصل انقلابی است ، از سندیکای کارگران شرکت واحد باید حمایت کرد، اما این اصل انقلابی اگر بر روال گذشته ما نسبت به سندیکای شرکت واحد پیش برود، دچار تناقض خواهیم شد، چون اصول انقلابی بر پایه آگاهی های علمی و طبقاتی استوار است، در حالی که تا به این روز ما فقط به دلیل اینکه سندیکا خواسته است، بدون اینکه از کم و کیف کارها اطلاع داشته باشیم، قبول کردیم. که البته این روند، تنها با تکیه بر اصل حمایت از جمع در مقابل فرد، قابل توجیه نیست.

معضل دیدگاه سیاسی رفرمیستی در سندیکای کارگران شرکت واحد از بدو تشکیل وجود داشت، و با خارج شدن منصور از سندیکا این معضل تمام نمی شود. البته پنهان بودن و عدم ظهور آن طی ۸ سال گذشته نتیجه شدت سر کوب و خفقان بوده است، هر چند که در برخی مواقع نشانه های از آن ظهور کرده بود. این معضل اگر ۸ سال قبل امکان بروز داشت، نمی توانست ضربه ای که اکنون به جنبش کارگری خواهد زد، بزند. بدلیل پنهان بودن و عدم امکان ظهور، معضل فوق با رشد و مشهورتر شدن منصور، رشد بیشتر کرده است. این معضل با سر نوشت جنبش کارگری سر و کار دارد و می تواند ضربات خطرناکی بر پیکر جنبش کارگری و حتی به جنبش سوسیالیستی بزند .

هسته اصلی برخورد سندیکا با منصور اسانلو را همین معضل تشکیل می دهد، و موارد کمک کننده به این برخورد بقیه دلایلی خواهد بود که طی ۸ سال گذشته بطور آشکار میان منصور و بقیه وجود داشت، از جمله تک روی های منصور یا موارد مالی و... که گاه و بی گاه بیان می شوند، و هیچ کدام تازگی ندارند، ولی عامل بر خورد نمی شدند، چون در سندیکا امکان اغماض در مورد آنها ممکن بود و یا شاید، آنها برای همه ای اعضای هیئت مدیره به عنوان عامل اختلاف دیده نمی شدند. در نتیجه بر خورد اخیر بین سندیکا و منصور را باید در رابطه با مسائل آینده دید، نه در مسائل گذشته .

اگر می گویم ، در مورد گذشته نیست، چون تمامی کارهای منصور از سال ۸۴ تا کنون برای افراد بیرون از سندیکا کمتر ، ولی برای اعضای هیئت مدیره اگر نگوییم صد در صد ولی با در صد بسیار بالای مشخص بوده اند اما تا زمانی که از ایران خارج نشده بود، مورد انتقاد جدی قرار نمی گرفت، شاید فکر می کردند هنوز فرصت برای حل مشکل دارند ، یا شاید تعدادی از آنها کم و بیش کار های او را تایید می کردند، شاید مشکل امنیتی می توانست باشد و شاید های دیگر، که پس از مشخص شدن دلایل سندیکا می توان جواب قطعی را پیدا کرد. به هر صورت طی ۸ سال گذشته بنا به خواست سندیکا، نهادها و فعالین و در مجموع جنبش کارگری حتی موارد غیر قابل قبول را نیز مورد تایید قرار می دادند. و این خطا بر می گردد به اینکه چون تعداد تشکل کارگری بسیار کم است، جنبش کارگری به اجبار برای حفظ سندیکای واحد، دست به عصا حرکت کرده است، و در برخی موارد از خود اغماض نشان داده و موارد مشکل ساز را آگاهانه ندیده گرفته است، و امروز، چوب نا دیده گرفتن، آگاهانه را می خوریم.

خطرناکتر از گذشته، امروز است، که باز هم با دلی پر خون سر دو راهی قرار داریم ، یا باید حرکت سانسورستی داشته باشیم ، موضع گیری نکنیم ، یا باید در مقابل تک روی ها و فردیت منصور اسانلو از سندیکای واحد که هیچ چیزی در مورد اختلافات و مشکلات

جدید شان نمی دانیم، موضع حمایت کورکورانه بگیریم، اگر امروز منطقی بر خورد نکنیم، این روند و سبک کار می تواند سنت شده و در مورد اختلاف بین افراد دیگر با سندیکا یا تشکل های دیگر که بدون شک اتفاق خواهند افتاد باز تولید گردد.

راستی جنبش کارگری و فعالین آن کجای میدان مبارزه ایستاده اند ؟ آیا سندیکای شرکت واحد، بدلیل نبود تعداد زیاد تشکل کارگری حق دارد بدون شفاف سازی و بیان دلایل خود، از بقیه انتظار داشته باشد که حمایت کنند یا حمایت نکنند؟ چه باید کرد ؟

تنها راه اصولی ما با دید آگاهانه حمایت از جمع در مقابل فرد است ، چون جمع احتمال خطایش کمتر است. ما به خوبی می دانیم، راهی که منصور طی ۸ سال رفته، حاصل اجتنای ناپذیر حمایت های بیان شده است. اگر موقعیت برای برخی دیگر مهیا شود به احتمال بسیار قوی همین راه را خواهند رفت. به بیان دیگر در مورد منصور و تقریباً همه افرادی که ممکن است چنین راهی را بروند، باید اعتراف کرد محصول ۸ سال چشم پوشی جمع در مقابل فرد است که سرکوب و خفقان عامل تشدید کننده مسیر فوق بوده است. بهتر است مورد جمع را نیز بررسی کنیم، هر جمعی نمی تواند مورد تایید باشد، بلکه در مورد یک تشکل بحث می شود، بنا براین اگر هیت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اقدامی برای باز سازی خود و برقراری ارتباط سندیکای به صورت سازمانی و سیستماتیک نکنند، از آن جمع مورد نظر و قابل حمایت خارج گشته به یک محفل تبدیل خواهد شد. اما اگر خود را باز سازی نمایند، هیچ نیازی به تقاضای کمک یا عدم کمک نخواهد داشت چون تمامی نهاد ها خود را با تصمیمات هیت مدیره باز سازی شده هماهنگ خواهند کرد.

طرح مورد زیر جهت اطلاع هیت مدیره کارگران سندیکای شرکت واحد و اعضای آن بطور خاص و دیگر تشکل ها و کارگران بطور عام ، بسیار مهم است، دوستان توجه داشته باشید، وقتی دشمنان (کارفرما ها ، خدم و حشم سرمایه داری، و دولت سرمایه داری) نتوانستند، از طریق سرکوب، دستگیری ، شکنجه و زندان، همچنین بیکارسازی و دیگر تهدید های آشکار کارگران را شکست بدهند. دست از مخالفت و دشمنی بر نمی دارند، بلکه اتحاد و همبستگی کارگران را با روشهای پنهان و پلیسی نشانه می روند، نه اینکه در زمانهای سرکوب آشکار این روش را بکار نمی برند، البته که در همه زمانها بکار می برند، ولی زمانی که از طریق سرکوب های آشکار و عریان موفق نشوند، آنگاه سرکوب های پنهان را هر چه بیشتر افزایش می دهند، بنا براین نباید ساده اندیش باشیم، آنها هزاران شگرد و ترفند دارند، و بدون شک هم اکنون مشغول اجرای سیاست ها و برنامه های مختلف هستند، مبارزه بسیار پیچیده است، برای مقابله و کسب پیروزی باید با دقت بیشتر و تحلیل علمی(مارکسیستی- لنینیستی) موضوعات را بررسی کرد. دوستان در مبارزه با شگردهای پنهان پلیس سیاسی، صداقت فردی به تنهای کار ساز نیست، باید آگاهی طبقاتی ، علم مبارزه با پلیس سیاسی ، رفاقت عمیق ، دید انقلابی و سازماندهی محکم داشت، هر چه مشکلات بیشتر و پیچیده تر می شوند، به همان میزان باید فداکاری ، جسارت ، آگاهی و رفاقت بیشتر شود.

به یاد داشته باشیم، پلیس سیاسی به نمایندگی و از میان تمامی نیروهای رنگارنگ دولت سرمایه داری و نهادهای خصوصی مانند رادیو و تلویزیون ها ، روزنامه ها، سازمانها و نهادها و احزاب و گروهها و محافل مختلف یار گیری می کند، آنگاه افراد فوق تحت سازماندهی پلیسی هر کدام در حوزه تخصصی خود شب و روز مشغول کار و برنامه ریزی

می شوند. با اجرای هزاران ترفند می خواهند، به تشکل ها و همبستگی کارگران ضربه زده، اعتبار آنها را زیر سوال ببرند، سندیکای کارگران شرکت واحد نیز از این قاعده مستثنا نیست، بلکه تحت مراقبت و توطئه دائمی قرار دارد. با توجه به مثل معروف " هر که بامش بیش ، برفش بیش " افراد و تشکل های که بیشترین نقش را در مبارزه دارند، بیشتر از دیگران تحت فشار قرار می گیرند، در این راستا سندیکای واحد یکی از تشکل های است، که از جانب پلیس سیاسی سوژه تحت نظر است . تنها راه نجات سندیکا در مقابل چنین دشمنی ها، حفظ، بازسازی و گسترش ارتباط سازمانی با بدنه خود و بقیه فعالین کارگری و انقلابی است. اگر چنین مسیری را طی نکنید، کمترین خطر برای سندیکا ایزوله شدن، آن است، که دیگر با هیچ حمایتی امکان نجات نخواهد داشت.

دوستان من در سندیکای واحد، صد در صد به یاد دارند، از سال ۸۶ به بعد هر وقت فرصت صحبت با هم داشتیم، اعلام کردم که تنها راه شما بر گزاری مجمع عمومی و باز سازی هیت مدیره است ، هنوز هم تنها راه همین است، اگر شما دوستان با هر روشی که خود می دانید، و امکان دارد، با تاکتیک های مختلف و با استفاده از تکنولوژی مدرن، باید هیت مدیره خود را باز سازی کنید، اگر بتوانید مجمع عمومی خود را تشکیل بدهید، هیت مدیره را باز سازی نماید، دیگر نیازی به درخواست حمایت یا عدم حمایت نخواهید داشت، چون شما و دیگر کارگران عضو با تصمیمات جمعی خود تکلیف همه را روشن می کنید، بر مبنای تصمیمات شما و اعضا، همه ی نهاد ها و فعالین و سازمانها حرکت های حمایتی یا عدم حمایتی خود را با تصمیمات شما تنظیم خواهند کرد. بدون شک و با آگاهی کامل هنوز هم بسیاری از رفقا و دوستان با تمام توان آمادگی کمک جهت بر گزاری مجمع عمومی شما را، دارند. فراموش نکنیم که در سندیکای واحد با توجه به سازماندهی دومین اعتصاب ، پتانسیل بر گزاری مجمع عمومی ولو کوچکتر و با اشکال مختلف وجود دارد.

در پایان به عنوان یک هم‌رزم طبقاتی و دوست، از منصور انتظار دارم، به احترام ۸ سال کار فداکارانه و متحدانه با دیگر اعضای هیت مدیره که همگی سختی شکنجه های فراوانی را تحمل کردید، و در برای حمایت از همان کارگرانی که ۸ سال در جهت کمک به احقاق حقوقشان فعالیت کرده اید، بدون چون و چرا تصمیم جمعی را بپذیرید و حتی بدون چشم داشت کمک کنید، تا سندیکا از این پیچ خطر ناک عبور نماید، و اعلام نمایید، از این پس مسیر مستقل خود را خواهیم رفت، با توجه به توانایی های ایشان، بدون شک اگر مسیرش در جهت جنبش کارگری باشد، همه ی مشکلات حل خواهد شد، و او دوباره در جمع پیشروان جنبش کارگری سر آمد خواهد شد، منصور، دوست عزیز : بهتر است با دقت و بدون ایجاد مشکل این فرصت را به خود و به بقیه فعالین بدهی.

محمد اشرفی
۱۳۹۱/۱۱/۱۰